

چکیده

زندگی با کودک مبتلا به اختلالات یادگیری برای والدین بسیار چالش برانگیز است و سطوح متفاوتی از تنیدگی را برای آنها ایجاد می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تاب‌آوری، تنظیم شناختی هیجانی با سازگاری زناشویی و صمیمیت زناشویی مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال یادگیری خاص بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی مادران دارای کودک مبتلا به اختلالات یادگیری خاص مراجعه‌کننده به مرکز اختلالات یادگیری شهرستان رشت، در نیم سال اول سال تحصیلی ۹۷-۹۶ به تعداد ۵۴۰ نفر بود که از این بین با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با توجه به شرایط ورود و خروج از پژوهش تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب و پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۱)، تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱)، سازگاری زناشویی لاک-والاس (۲۰۰۰) و صمیمیت زناشویی تامپسون و والکر (۲۰۰۳) را تکمیل کردند. داده‌های به دست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد بین تاب‌آوری، تنظیم شناختی هیجانی و خرده‌مقیاس‌های پذیرش، ارزیابی مثبت و دیدگاه‌پذیری با سازگاری زناشویی و صمیمیت زناشویی رابطه مثبت و بین خرده‌مقیاس‌های ملامت خویش و نشخوار تنظیم شناختی هیجانی با سازگاری زناشویی و صمیمیت زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد تاب‌آوری و دیدگاه‌پذیری قادرند به طور سلسله‌مراتبی ۶ درصد تغییرات مربوط به سازگاری زناشویی مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری خاص را پیش‌بینی می‌کند ($R^2 = 0/057$). همین‌طور، پذیرش، ارزیابی مثبت، دیدگاه‌پذیری، تاب‌آوری و ملامت خویش قادرند به طور سلسله‌مراتبی ۲۵ درصد تغییرات صمیمیت زناشویی مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال یادگیری خاص را به طور معنادار پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/252$). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت تاب‌آوری و تنظیم شناختی هیجان با سازگاری و صمیمیت زناشویی مادران دارای کودک مبتلا به اختلالات یادگیری خاص رابطه داشته و قادر به پیش‌بینی معنی‌دار آنها هستند.

کلید واژه‌ها: اختلالات یادگیری خاص، تاب‌آوری، تنظیم شناختی هیجان، سازگاری زناشویی، صمیمیت زناشویی